

# تأثیر کاهش سرمایه اجتماعی بر آنومی اجتماعی زنان ساکن شهر تهران

اعظم پاک خصال\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۴

## چکیده

آنومی اجتماعی به مطالعه بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی و اعمال و رفتاری می‌پردازد که در اجتماع غیر طبیعی تلقی می‌گردد و نیز شرایطی را مورد بررسی قرار می‌دهد که اصول و هنجارهای ارزشمند جامعه مورد بی‌توجهی و یا تخلف قرار می‌گیرد در دوران کنونی آنومی اجتماعی در جامعه ما متوجه همه قشرها و گروه‌های اجتماعی از جمله زنان است. در این میان عارضه پذیری در میان این گروه اجتماعی به دلایل مختلف از اهمیت بیشتری برخوردار است. چرا که این موضوع هم به نقش و کارکرد زنان در امور تربیتی، اجتماعی و فرهنگی ارتباط دارد و هم با توجه به افزایش انحرافات اجتماعی در میان دختران جوان در سال‌های اخیر تبعات و پیامدهای آن برای

---

\* دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

سایر قشرهای جامعه و در نهایت در کلیت اجتماعی نگرانی‌های بیشتری را همراه داشته است. با توجه به این مسأله در این مقاله سعی بر این است که به بررسی آنومی اجتماعی زنان ساکن در شهر تهران با توجه به نقش سرمایه اجتماعی در آن بپردازیم. براین اساس شاخص‌های سرمایه اجتماعی که شامل اعتماد و حمایت‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی شناختی) و مشارکت‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی ساختاری) می‌باشد، مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این پژوهش از نظریه‌های کنترل اجتماعی و پیوند اجتماعی و نظریه فشار استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش زنان ۴۰-۱۸ سال ساکن در شهر تهران است. روش این پژوهش پیمایشی است و پرسشنامه ابزار اصلی گردآوری اطلاعات مورد نیاز است. نمونه‌ها از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، با حجم نمونه‌ای برابر با ۴۰۰ نفر، از مناطق دو، هشت و شانزده شهر تهران انتخاب شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آماره‌های مختلفی چون تحلیل همبستگی و تحلیل چندگانه انجام گرفته است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که بین تمام ابعاد سرمایه اجتماعی با آنومی اجتماعی زنان رابطه معنادار معکوسی وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی،

حمایت اجتماعی، آنومی اجتماعی، زنان

## طرح مسأله

روند رو به رشد مهاجرت به شهرها و فقدان منابع کافی حیاتی و نیز کاهش استاندارد زندگی، مشکلات و آسیب‌های اجتماعی متعددی را در مراکز بزرگ شهری موجب شده است. به علاوه گسترش فقر شهری، توسعه شهرنشینی نامتعادل، سستی و تزلزل ارکان اخلاقی، افزایش نیروی کار غیر ماهر روستایی در شهرها و جذب آن‌ها در اقتصاد غیر رسمی شهر، اولین نمودهای آسیب‌های اجتماعی را در شهرها آشکار کرده است (بواندیا، ۱۳۸۰: ۵). از جمله عوارض شرایط نوین در فضاهاى جدید شهری ناشناس

ماندن، بیگانگی اجتماعی، انزوای اجتماعی، بی‌خبری و نداشتن امنیت روانی یا پشتوانه‌های اجتماعی از پدیده‌هایی بوده‌اند که از اوایل قرن بیستم موجبات دل‌مشغولی بیشتر جامعه‌شناسان را سبب شده است (Thorns, 2002: 2). هنگامی که جامعه‌شناسان کلاسیک دغدغه تنزل روابط اجتماعی را در جوامع صنعتی و در حال توسعه مورد تأمل و مطالعه قرار دادند به این نتیجه دست یافتند که متغیرهایی چون تنزل روابط اجتماعی، گذار از ساختار سنتی به ساختارهای جدید تقسیم کار فزاینده و تخصصی، عقلانیت مفرط، سلطه روزافزون بروکراسی و... بر گسترش آنومی اجتماعی خصوصاً در جوامع شهری بسیار موثر است. به اعتقاد زیمل<sup>۱</sup> نتیجه چنین شرایط ناپایداری که در روابط و کاهش اعتماد اجتماعی در جامعه خصوصاً زندگی شهری بوجود آمده است منجر به افول سرمایه اجتماعی شده که در نتیجه کاهش سرمایه اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی و جرایم مختلف گسترش پیدا می‌کنند. از دیدگاه پیر بوردیو سرمایه اجتماعی را باید « حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی دانست که نتیجه مالکیت، شبکه بادوامی از روابط نهادینه شده بین افراد و به عبارت ساده تر، عضویت در یک گروه است» (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۶۷). در این میان، آنومی به عنوان یک مشکل اجتماعی نیز ناشی از شرایطی است که بخشی از آن به دگرگونی‌های شتابان و بخشی دیگر به نابسامانی‌های موجود در جامعه مربوط است. در شرایط آنومیک، به دلیل ضعف در حاکمیت هنجارها، تعرض میان آن‌ها و حتی پدید آمدن عرصه‌هایی فاقد هنجارهای روشن، عدم التزام به قواعد اخلاقی و اجتماعی پدید می‌آید و الگوها بخوبی راهنمای رفتارهای اجتماعی نیستند؛ به عبارت دیگر، در این شرایط، اختلال، تعارض، ناپایداری هنجارها و در برخی زمینه‌ها، بی‌هنجاری بوضوح قابل مشاهده است. در ضمن، گرایش به رفتارهای نابهنجار از مسائلی است که توسعه اجتماعی و اقتصادی و شکل‌گیری جامعه باثبات و دور از تنش و انحرافات را غیرممکن می‌سازد و هرگونه برنامه‌ریزی و پیشرفت

اجتماعی و اقتصادی را با خطر مواجه می‌سازد (شیانی و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲). مفهوم سرمایه اجتماعی به طور خلاصه شامل سرمایه و منابع حاصل از نهادها، روابط و هنجارهایی است که کنش متقابل اجتماعی جامعه را به لحاظ کمی و کیفی شکل می‌دهد. این مفهوم به دلیل ماهیت و محتوایی که دارد از این پتانسیل برخوردار است تا در تحلیل‌های نظری در حوزه‌های مختلف به کار گرفته شود، که یکی از آن‌ها حوزه آنومی اجتماعی است بنابراین در صورتی که عناصر این مفهوم به خوبی مورد بررسی قرار گیرد و در یک قالب منسجم مدون گردد، قادر است تا به خوبی در شناخت و تحلیل آسیب‌ها مؤثر واقع شده و راهکارهای مناسبی را در بحث پیشگیری در اختیارمان قرار دهد (چلبی، ۱۳۸۴: ۳). همچنین ماهیت پیچیده آسیب‌های اجتماعی ایجاب می‌کند تا در برخورد و شناخت با تجدید و تکمیل نظریات موجود، با اتکا به یافته‌های نوین، دایره شناخت خود را گسترده‌تر سازیم. از این منظر سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> به عنوان ابزار اساسی قابلیت و کارایی بالایی در تبیین و توضیح مسائل و مشکلات، از جمله آسیب‌های اجتماعی دارد. چنان چه می‌توان از آن به عنوان راه حل مشکلات اجتماعی نام برد. افول سرمایه اجتماعی اگرچه همه جمعیت کشور را در برابر آثار سوء قرار می‌دهد اما پیامدهای منفی آن زنان را بیش از مردان تهدید می‌کند به اعتقاد کارشناسان امروز حاکمیت، دانشگاهیان، نخبگان، دستگاه‌های مسئول، خانواده‌ها، نهادهای مدنی، اجتماعی و مردمی باید به آنومی زنان به عنوان مسأله ملی نگاه کنند شناسایی عوامل آسیب‌پذیری اجتماعی زنان تا حدود زیادی در برنامه‌ریزی برای پیشگیری و درمان این معضل اجتماعی راهگشا می‌باشد. لذا بر این اساس سوال اصلی این پژوهش چنین مطرح می‌گردد: آیا بین میزان سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی زنان رابطه وجود دارد؟ به عبارتی آیا افول سرمایه اجتماعی باعث افزایش آنومی اجتماعی می‌گردد؟

## مبانی نظری پژوهش

فوکویاما در کتاب خود پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن، با سود جستن از نظریات پاتنام و همچنین توضیح مشکلات موجود برای سنجش سرمایه اجتماعی می‌نویسد: به جای سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش نسبی، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی یا به عبارت دیگر انحرافات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات و موارد مشابه را اندازه‌گیری کرد. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی نیز بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود (فوکویاما، ۱۳۷۹:۳۸).

سرمایه اجتماعی از سه دیدگاه نظری با آنومی ارتباط دارد که عبارتند از: تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، تئوری فشار و آنومی اجتماعی که هر یک از آنها به نوعی، رابطه بین سرمایه اجتماعی (اعتماد، حمایت و مشارکت اجتماعی) و آنومی را تبیین می‌کند. رابرت مرتون<sup>۱</sup> (۱۹۴۹) در نظریه بی‌سازمانی اجتماعی به جنبه‌های اجتماعی بیگانگی تاکید می‌کند. او بیگانگی را به عنوان یک مسئله اجتماعی برخاسته از ساخت اجتماعی در نظر می‌گیرد و آن را ناشی از جدایی و عدم ارتباط بین اهداف و انتظارات با وسایل نهادینه شده جهت نیل بدان اهداف تعریف می‌کند. به نظر مرتون زمانی که یکی از این دو (هدف و وسیله) در دسترس فرد نباشد اختلالات رفتاری بروز پیدا می‌کند. وقتی جامعه کاملاً بر فرد کنترل دارد وی نوعی احساس بی‌قدرتی خواهد کرد؛ زمانی که هدف و هنجار از دید فرد پوچ و بی‌محتوا است وی نوعی احساس جدایی و انزوای اجتماعی خواهد داشت و زمانی که فرد ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را نپذیرد دچار نوعی احساس بی‌هنجاری می‌شود. به نظر مرتون هر سه جنبه بیگانگی

---

1. Robert.K.Merton

یعنی احساس بی قدرتی، بی هنجاری و انزوا مجموعاً و یا به صورت منفرد در فرد می‌تواند تظاهر کند. مرتون منبع بیگانگی را در شرایط آنومیک جامعه جستجو می‌کند و عقیده دارد که آنومی اجتماعی اثرات متفاوتی بر افراد با توجه به موقعیت‌های مختلفی که آن‌ها در ساختار اجتماعی اشغال کرده‌اند می‌گذارد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۲ و ۵۹).

بنابراین، تئوری بی سازمانی اجتماعی چارچوبی فراهم می‌کند که گسیختگی، شبکه‌های اجتماعی را که مبنای کنترل جامعه است به هم می‌ریزد. بنابراین گسیختگی اجتماعی به پیوندهای اجتماعی آسیب می‌زند، چون سطوح دسترسی‌پذیری سرمایه اجتماعی و تاثیر پذیری جمعی را کاهش می‌دهد (روز و کلیر، ۲۰۰۲: ۱۸۳). به نظر منطقی می‌رسد که هر دو مؤلفه کلیدی سرمایه اجتماعی (اعتماد و مشارکت) با سازمان اجتماعی مرتبط می‌باشد. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی موجب افزایش پیوندهای اعضای جامعه شده و می‌تواند به عنوان مبنایی برای کنترل اجتماعی باشد. همچنین، مشارکت در فعالیت‌ها منجر به نظارت دیگر اعضای جامعه می‌شود که خود یک نوع مشارکت محسوب می‌شود. بنابراین، سطوح بالای مشارکت اجتماعی باعث تقویت سازمان اجتماعی و ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌شود و کاهش آنومی و خشونت را به دنبال دارد (مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۱: ۲۸۶).

مطلب مهم در تئوری بی سازمانی اجتماعی، مکانیزم‌های محلی افراد می‌باشد که باعث افزایش پیوندهای اجتماعی ساکنان و کاهش هر نوع جرم و بی نظمی می‌شود. پیوندهای اجتماعی بیشتر به عنوان عوامل غیرمستقیم تأثیرگذار بی‌سازمانی اجتماعی بر میزان آنومی می‌باشد (کوبرین و ویتزر، ۲۰۰۳: ۳۷۵).

از نظر پاتنام<sup>۱</sup> رابطه با سرمایه اجتماعی و آنومی ریشه در تئوری بی‌سازمانی دارد. بر اساس منطق این تئوری، پاتنام استدلال می‌کند که شبکه‌های اجتماعی، زیرساختار سرمایه اجتماعی هستند. این زیرساختارها به گفته وی، اعمال معیارهای

---

1. Putnam

رفتاری مثبت در افراد را ممکن کرده و برای آنها، راهنمایان رفتاری<sup>۱</sup>، الگوهای نقش، حامیان آموزشی و فرصت‌های شغلی فراهم میکند. آنها، همچنین با ایجاد حمایت مالی و عاطفی برای افراد، تأمین نفوذ و قدرت سیاسی و برانگیختن افراد داوطلب برای پیوستن به نهادهای اجتماعی به کاهش کجروی و آنومی می‌انجامد. برعکس شبکه‌های آسیب دیده، اعتماد و مشارکت پایین و انسجام اندک، افراد را به حال خود رها میکند تا خود رفتار خودشان را هدایت کنند و احتمال این امر را که آنها براساس انگیزه‌های زودگذر و خود تخریب کننده عمل کنند، افزایش می‌دهد (مسنر و دیگران، ۲۰۰۴: ۸۸۴). بطور خلاصه تئوری بی‌سازمانی اجتماعی نشان می‌دهد که دو مولفه اصلی سرمایه اجتماعی (اعتماد و مشارکت) با آنومی اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند (مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۰: ۲۸۶).

به اعتقاد ملوین سیمن<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) هرگاه فرد ارتباطش را با جامعه از دست بدهد دچار از خود بیگانگی می‌شود. او پنج نوع از بیگانگی را از هم متمایز می‌کند که عبارتند از احساس بی‌قدرتی و ناتوانی، احساس بی‌هنجاری و بی‌معیاری، احساس انزوای اجتماعی و جامعه‌گریزی و احساس تنفر از خود یا جدایی از خویشتن.

نظریه کنترل اجتماعی غیررسمی بر کیفیت یا قوت پیوندهای اجتماعی با نهادهای غیررسمی تأکید دارد. تراوس هرشی<sup>۳</sup>، مهم‌ترین صاحب نظر این رویکرد علت هم‌نوایی افراد با هنجارهای اجتماعی را پیوند اجتماعی آنها دانسته است. پیوند اجتماعی به مجموع عوامل محسوس و نامحسوس که یک جامعه در جهت حفظ معیارهای خود به کار می‌برد و مجموع موانعی که به قصد جلوگیری از افراد آسیب اجتماعی در راه آنان قرار می‌دهد، گفته می‌شود (ستوده، ۱۳۷۶: ۱۳۷). او به این نتیجه می‌رسد که بین همبستگی اجتماعی و کجروی رابطه وجود دارد در واقع هرچه همبستگی متقابل بین

---

1. Mentors  
2. M. Seeman  
3. T. Hirschi

اعضای جامعه بیشتر باشد امکان اعمال کنترل جامعه بر اعضا بیشتر خواهد بود و هرچه کنترل قوی تر باشد انحراف کمتر خواهد بود. کنترل اجتماعی و پیوندهای اجتماعی یعنی عناصر کلیدی سرمایه اجتماعی، عناصر ضروری تئوری پیوند اجتماعی هیرشی می‌باشند. (Salmi & Kivivuori, 2006: 126) طبق این نظریه پیوندهای اجتماعی تا زمانی مهمند که نظام‌های به هم وابسته‌ای از تعهدات متقابل به وجود آورند و مردم را از فعالیت‌های مجرمانه باز دارد، یعنی این پیوندها کنترل کننده و مهار کننده هستند بنابراین تولید سرمایه اجتماعی و افزایش آن، به منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی، اهمیت می‌یابد. هیرشی معتقد است چهار عنصر اصلی که باعث پیوند فرد و جامعه می‌شود شامل: وابستگی به اجتماع، تعهد، مشغولیت (مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی)، اعتقاد و باور داشتن به قواعد اجتماعی می‌باشد. بر مبنای این نظریه هرچه میزان وابستگی، تعهد، مشارکت و باور فرد کمتر باشد پیوندش با جامعه سست‌تر است و احتمال کجرفتاری و آسیب پذیری بیشتری خواهد بود. از نظر هرشی خانواده و جامعه دو عامل مهم ایجاد این پیوند هستند (Smart, 1997: 112). نظریه فشار فرض می‌کند که وقایع پرتنش در خانواده یا محله منجر به احساس منفی و بعداً بزه کاری می‌گردد بر اساس این تئوری می‌توان گفت که فقدان تعلقات اجتماعی همچنین کاهش سرمایه اجتماعی هم در جامعه و هم در درون خانواده باعث می‌شود که افراد در هنگام روبرو شدن با منابع فشار نتوانند بر آن‌ها غلبه نمایند، در نتیجه احساسات منفی در افراد ایجاد می‌شود که منجر به آسیب‌های اجتماعی خواهد شد. (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۱۲).

از این رو با نظریات بررسی شده، کاهش سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان عامل تاثیرگذار بر میزان آنومی اجتماعی در یک اجتماع، در نظر گرفت.

یکی از ابعاد تأثیر گذار سرمایه اجتماعی بر آنومی اجتماعی که در پژوهش حاضر به آن پرداخت شده است، متغیر اعتماد اجتماعی می‌باشد. اعتماد اجتماعی به عنوان شاخصی از سرمایه اجتماعی از عواملی است که زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. اهمیت اعتماد در روابط و پیوندهای اجتماعی و خانوادگی به



گونه‌ای است که می‌توان این پدیده را یکی از مهمترین عناصر اساسی سرمایه اجتماعی زندگی خانوادگی و انسانی تا به امروز تلقی نمود، که زمینه همکاری و تعامل را در ابعاد مختلف جامعه و خانواده گسترش می‌دهد؛ در حالی که کاهش اعتماد اجتماعی در خانواده و حتی در جامعه موجب این می‌گردد که «همواره نوعی ترس از برقراری رابطه و احساس ناامنی بین اعضاء خانواده و جامعه بوجود آید که مانع از تداوم و تقویت رابطه و کاهش همکاری و تعاملات اجتماعی و خانوادگی می‌گردد که در این صورت فردگرایی و منفعت طلبی که منشاء بسیاری از انحرافات و نابسامانی‌های اجتماعی است در جامعه رواج می‌یابد.» (باستانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۲). به نظر فوکویاما، از یک سو، بی‌اعتمادی باعث فرسایش سرمایه اجتماعی گردیده و به انزوا، ذره‌ای شدن، گسسته شدن پیوندها و از بین رفتن شبکه روابط بین فردی می‌انجامد؛ و از سوی دیگر، با تحریک و برانگیختن افراد و جستجو برای یافتن جانشین‌ها، اغلب با پذیرش هویت‌های غیرقانونی (در باندهای بزهکاری، خرده فرهنگ‌های منحرف و نظایر آن) فرد را از حالت خود خارج کرده و او را از خود بیگانه می‌سازد (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۲۲). به نظر پاتنام، اعتماد از مؤلفه‌های مهم و حیاتی سرمایه اجتماعی است. وی، سرمایه اجتماعی را به منزله شبکه‌هایی از انجمن‌های ارادی و خودجوش معرفی می‌کند که به وسیله اعتماد، گسترش یافته‌اند. او بر این نکته تاکید می‌کند که بدون اعتماد، اغلب فعالیت‌های اصلی زندگی روزمره غیرممکن می‌شود. او در کتاب «بولینگ یک نفره»<sup>۱</sup> بیان می‌کند که صداقت و اعتماد، اختلافات زندگی اجتماعی را حل می‌کند (Torgler, 2007: 4).

یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مؤثر بر آنومی، حمایت مادی و عاطفی است. هیرشی در تئوری پیوند اجتماعی و تأثیرش بر آنومی (علیوردی نیا، ۱۳۸۷: ۱۱۷)، و مرتون در بحث آنومی (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۳-۲۲).

عامل موثر دیگر بر آنومی اجتماعی که در پژوهش حاضر به آن اشاره شده است، مشارکت اجتماعی می‌باشد. مشارکت اجتماعی هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات میان افراد شناخته می‌شود. بعضی از این شبکه‌ها هم سطح (افقی) است و شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می‌کنند. اما بعضی دیگر، شبکه‌های عمودی است که شهروندان را بر اساس روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب به هم پیوند می‌دهد. در اغلب موارد، شبکه‌ها ترکیبی از روابط عمودی و افقی را شامل می‌شود. هرچه شبکه‌های اجتماعی در جامعه‌ای متراکم‌تر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند برای منافع متقابل همکاری نمایند. نمونه‌ای از پیوندهای مشارکت هم سطح (افقی)، پیوندهای خویشاوندی است که نقش خاصی در حل مسائل جمعی دارند؛ اما در سطح اجتماعی، تقویت همکاری شبکه‌های خویشاوندی در مقایسه با شبکه‌های مشارکت مدنی (عضویت مشترک در انجمن‌ها) کمتر است. شبکه‌های مشارکت مدنی که شکاف‌های اجتماعی را دور می‌زند، موجب همکاری گسترده‌تری شده و بدین ترتیب انواع شبکه‌های مشارکت اجتماعی بخش مهمی از ذخیره سرمایه اجتماعی یک جامعه را تشکیل می‌دهد. روابط متقابل میان منابع سرمایه اجتماعی، یعنی اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت که خود تقویت کننده و افزایش دهنده می‌باشد، از ویژگی‌های جامعه مدنی است. نبود این ویژگی‌ها یعنی عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب، بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و نابسامانی، در حفظ دوره‌های باطل توسعه نیافتگی یکدیگر را تشدید می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

جیمز کلمن<sup>۱</sup> سرمایه اجتماعی را به وسیله کارکردش تعریف نموده است. به نظر او سرمایه اجتماعی هنگامی ایجاد می‌شود که روابط میان اشخاص به شیوه‌ای تغییر یابد که کنش را آسان سازد. «بنابراین سرمایه اجتماعی عبارت است از قدرت و توانایی مردم برای برقراری ارتباط با هم» (سعادت، ۱۳۸۵: ۱۷۶). از دیدگاه پیر بوردیو<sup>۲</sup> «سرمایه

---

1. Coleman  
2. Bourdieu

اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده‌تر عضویت در یک گروه می‌باشد» (Fild, 2003: 15). از نظر پاکسون<sup>۱</sup> سرمایه اجتماعی دارای دو بعد اصلی می‌باشد: «روابط عینی میان افراد و پیوندهای ذهنی بین همان افراد از سوی دیگر. این تعریف از سرمایه اجتماعی هم روابط بین افراد را در بر می‌گیرد که کلمن بر آن تاکید نموده بود و هم اینکه این روابط باید مبتنی بر اعتماد و مثبت باشد» (Paxton, 2002: 256). همچنین رابرت پاتنام<sup>۲</sup> اعتقاد دارد که «سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی، نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارایی جامعه را بهبود بخشند» (چلبی و همکاران، ۱۳۸۴: ۵). به طور کلی عناصری که از مجموع تعاریف و نظریات ذکر شده می‌توان به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی استخراج کرد، شامل: اعتماد و حمایت‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی شناختی) و مشارکت‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی ساختاری) می‌باشد.

اعتماد به عنوان یکی از ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و به مثابه عاملی نگه دارنده در زمره ارزش‌هایی است که باید در قشرها و گروه‌های اجتماعی هر جامعه ای ایجاد، تقویت و منتشر شود. این متغیر همچنین یکی از مهمترین شاخص‌ها و نشانگرهای مؤثر سلامت و بهزیستی اجتماعی است. «بسیاری از فیلسوفان اجتماعی نظیر هیس و توکویل معتقدند که اعتماد، پایه اساسی نظم اجتماعی می‌باشد، اعتماد تنش‌های اجتماعی را کاهش و انسجام را افزایش می‌دهد. ایده اساسی این است که اعتماد افراد به یکدیگر و اعتماد آنها به نهادهای اجتماعی همراه با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی سودمند می‌تواند اثرات مثبتی بر سلامت جسمی و روانی افراد و همچنین بر کارایی نظام داشته باشد» (شارع پور، ۱۳۸۸: ۴-۵). سه نوع اعتماد قابل شناسایی و

---

1. Paxton

بررسی است: «اعتماد بین فردی یا اعتماد به افراد آشنا<sup>۱</sup>، اعتماد اجتماعی یا اعتماد تعمیم یافته<sup>۲</sup>، اعتماد مدنی یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها» (همان: ۷).

فلورین و واندرمن<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) معتقدند شرکت کردن در جامعه از طریق مشارکت این مفهوم را می‌رساند که افراد برای زندگی آرمان دارند و نشان دهنده سلامت و بهزیستی افراد است. گامسون<sup>۴</sup> نیز استدلال می‌کند که مشارکت در جنبش‌های اجتماعی، رشد هویت شخصی را در بر می‌گیرد و نشان دهنده فرصتی برای درک خود است. طبق نظر هوگی<sup>۵</sup> و همکاران (۱۹۹۹) «مشارکت در جامعه به افراد فرصت بسط روابط اجتماعی با افرادی غیر از خانواده و همسالان را در موقعیت‌های مختلف اجتماعی می‌دهد و به آنها کمک می‌کند تا یک درک درست نسبت به خود و دیگران پیدا کنند و از این طریق هویت اجتماعی خود را تقویت نمایند» (Cicognani, et al, 2007: 99-100)

هر ارتباطی که فرد در زندگی خود برقرار می‌کند شامل حمایت‌هایی است که از خانواده، دوستان و یا جامعه دریافت می‌کند و همه اینها مستقیماً سلامت او را تحت تأثیر قرار می‌دهند. مطالعات نشان داده‌اند که مشارکت اجتماعی پایین و فقدان حمایت اجتماعی اثرات منفی روی سلامت افراد دارد (Herzog et al, 2002: 606) هاووس (۱۹۸۱) «حمایت اجتماعی را نوعی مبادله بین فردی می‌داند که پیوندهای عاطفی، کمک‌های موثر ابزاری، ارائه اطلاعات، اظهار نظر و ارزیابی دیگران را در بر می‌گیرند شافر، کوین و لازاروس (۱۹۸۱) هم با تأکید بر ادراکات ذهنی فرد، حمایت اجتماعی را عبارت می‌داند از ارزشیابی‌ها یا ارزیابی‌های فرد از اینکه تا چه حد یک تعامل یا الگوی تعاملاتی برای وی سودمند است (رستگار خالد، ۱۳۸۴: ۱۳۶).

- 
1. Interpersonal Trust
  2. Social trust
  3. Florin , wandersman
  4. Gamson
  5. Hughey

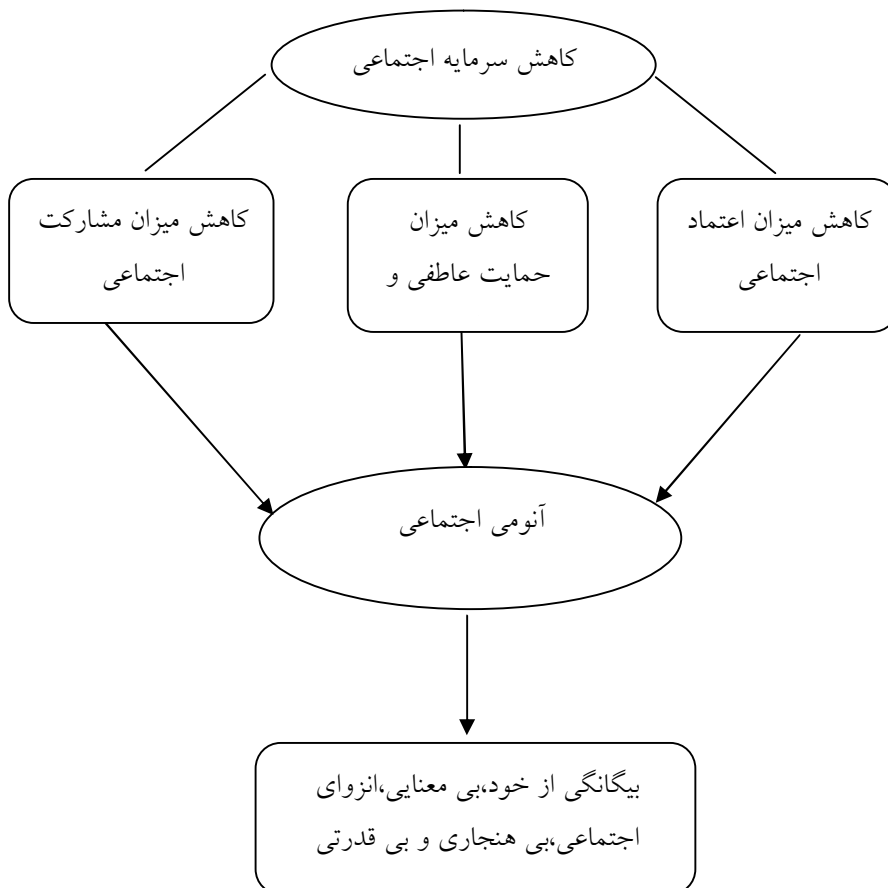
بنابراین تئوری‌ها، آنومی موجب تخلیه سرمایه اجتماعی می‌شود؛ زیرا اولاً، اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که هنجارها محکم باشد و افراد بتوانند رفتارهای یکدیگر را پیشبینی کنند؛ از سوی دیگر، در محیط عاری از اعتماد، اگر سطوح مشارکت و شبکه‌های روابط کاهش پیدا کنند آنومی قابل انتظار است. آنومی اجتماعی باعث کاهش سرمایه اجتماعی از طریق تضعیف هنجارهای مسلط بر رفتارها می‌شود. تعهد قوی به نظم هنجاری باعث افزایش اعتماد متقابل شده و در نتیجه کنش‌های متقابل شکل گرفته و از هنجارها تبعیت خواهد شد. بر عکس، وقتی مردم به همدیگر شک و تردید داشته باشند، نسبت به قدرت هنجارها بطور معکوس نمی‌توان اعتماد کرد (Mesner & Rozenfeld, 2000: 287)

### چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش به منظور پاسخگویی به سؤالات خود در باب تأثیر کاهش سرمایه اجتماعی بر آنومی اجتماعی زنان از نظریات رابرت پاتنام، هیرشی، مرتون، نظریه از خود بیگانگی ملوین سیمن و نظریه فشار استفاده شده است. هریک از نظریه پردازان فوق موضوع سرمایه اجتماعی و آنومی را به طور مستقیم موضوع کار خود قرار نداده‌اند بلکه سرمایه اجتماعی و به گونه‌ای ضمنی اشکالی از ناهنجاری‌های اجتماعی مورد بحث آن‌ها بوده است. پاتنام اعتقاد دارد که «سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی، نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند» (چلبی و همکاران، ۱۳۸۴: ۵). هیرشی معتقد است چهار عنصر اصلی که باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند شامل: وابستگی به اجتماع، تعهد، مشغولیت (مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی)، اعتقاد و باور داشتن به قواعد اجتماعی می‌باشد. بر مبنای این نظریه هرچه میزان وابستگی، تعهد، مشارکت و باور فرد کمتر

باشد پیوندش با جامعه سست‌تر است و احتمال کجرفتاری و آسیب‌پذیری‌اش بیشتر خواهد بود. از نظر هیرشی خانواده و جامعه دو عامل مهم ایجاد این پیوند هستند. به نظر مرتون هر سه جنبه بیگانگی یعنی احساس بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوا مجموعاً و یا به صورت منفرد در فرد می‌تواند تظاهر کند. مرتون منبع بیگانگی را در شرایط آنومیک جامعه جستجو می‌کند و عقیده دارد که آنومی اجتماعی اثرات متفاوتی بر افراد با توجه به موقعیت‌های مختلفی که آن‌ها در ساختار اجتماعی اشغال کرده‌اند می‌گذارد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۵۹ و ۶۲). به اعتقاد سیمن هرگاه فرد ارتباطش را با جامعه از دست بدهد دچار ازخود بیگانگی می‌شود. او پنج نوع از بیگانگی را از هم متمایز می‌کند که عبارت‌اند از احساس بی‌قدرتی و ناتوانی، احساس بی‌هنجاری و بی‌معیاری، احساس انزوای اجتماعی و جامعه‌گریزی و احساس تنفر از خود یا جدایی از خویشتن. نظریه فشار فرض می‌کند که وقایع پرتنش در خانواده یا محله منجر به احساس منفی و بعداً بزه‌کاری می‌گردد. بر اساس این تئوری می‌توان گفت که فقدان تعلقات اجتماعی همچنین کاهش سرمایه اجتماعی هم در جامعه و هم در درون خانواده باعث می‌شود که افراد در هنگام روبرو شدن با منابع فشار نتوانند بر آن‌ها غلبه نمایند، در نتیجه احساسات منفی در افراد ایجاد می‌شود که منجر به آسیب‌های اجتماعی خواهد شد.

### مدل نظری



## فرضیه‌های پژوهش

### فرضیه کلی

به نظر می‌رسد که بین میزان سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی زنان رابطه وجود دارد.

### فرضیه‌های جزئی

به نظر می‌رسد که بین میزان اعتماد اجتماعی و آنومی اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد.

به نظر می‌رسد که بین میزان حمایت عاطفی و آنومی اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد.

به نظر می‌رسد که بین میزان حمایت مادی و آنومی اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد.

به نظر می‌رسد که بین میزان مشارکت اجتماعی و آنومی اجتماعی زنان رابطه معنادار وجود دارد.

## تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته

### تعریف نظری آنومی اجتماعی:

طبق نظر دورکیم، جامعه بی‌هنجار (آنومیک)، جامعه‌ای است که در آن، قواعد رفتار (هنجارها) شکسته شده و یا نادیده انگاشته شده است (Siegel, 2003: 192) به نظر آبرکرامبی<sup>۱</sup>، آنومی وضعیتی اجتماعی است که ویژگی بارز آن از هم پاشیدگی معیارهای حاکم بر روابط و تعاملات اجتماعی است. مفهوم آنومی، شکاف موجود میان تفسیر عمل اجتماعی در سطح فردی را با تفسیر آن در سطح ساختار اجتماعی با پیوند

---

1. Abercrombie



میان آن‌ها، پر می‌کند (شیانی و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۴). و از دیدگاه مرتون بی‌هنجاری، فقدان وسیله قانونی برای دسترسی به اهداف مشروع است (Puffer, 2009: 213). شاخص‌های آنومی اجتماعی در این پژوهش با توجه به نظریات ملوین سیمن، هرشی و مرتون عبارتند از: ۱- پنداشت منفی و تنفر و بیگانگی از خود، (تنفر از خود و دیگران، عدم ارزش قائل شدن برای خود، عدم احساس ارزشمندی، عدم احساس لذت از زندگی و احساس عقب بودن از دیگران ۲- احساس انزوای اجتماعی (عدم همکاری با دیگران در انجام امور، عدم احساس نشاط در زندگی، تنهایی را ترجیح دادن، دوری از دوستان، عدم احساس اهمیت از نظر دیگران و عدم مشارکت در فعالیت‌های جامعه) ۳- احساس بی‌قدرتی (عدم تأثیر بر رویدادهای جامعه، عدم توانایی در انجام امور، عدم داشتن اعتماد به نفس در انجام کارها، عدم تسلط بر زندگی، ناتوانی در برابر مشکلات و اعتقاد بر تقدیر) ۴- بی‌هنجاری و بی‌تفاوتی در برابر هنجارهای رسمی و غیررسمی (عدم رسیدن به اهداف بر طبق هنجارها و ارزش‌های جامعه، عدم اهمیت پیروی از هنجارها و ارزش‌های جامعه، رسیدن به اهداف از راه غیر قانونی، رعایت قانون به خاطر ترس از مجازات) ۵- احساس بی‌معنایی (عدم اعتقاد به دیگران، عدم امید به آینده، بی‌معنا بودن زندگی، احساس بی‌معنایی نسبت به دنیا و نامشخص بودن آینده).

### تعریف نظری و عملیاتی مؤلفه‌های متغیر مستقل

**مفهوم سرمایه اجتماعی:** پاتنام سرمایه اجتماعی را در اجزایی چون شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد در نظر می‌گرفت که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ کارایی جامعه را بهبود ببخشند. او شبکه را خاستگاه دو مؤلفه دیگر سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد و هنجارهای همیاری می‌داند. از نظر پاتنام روابط اجتماعی و تعاملات افراد با یکدیگر از بنیادی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی معرفی می‌شوند (Putnam, 2002: 6).

### تعریف عملیاتی اعتماد

برای سنجش اعتماد در پرسشنامه سؤال‌هایی شامل اعتماد به آشنایان، غریبه‌ها، اعتماد به سیاستمداران و مسئولین دولتی در نظر گرفته شده است.

### تعریف عملیاتی حمایت اجتماعی: در این پژوهش حمایت اجتماعی شامل

حمایت احساسی، حمایت فکری و مالی می‌باشد.

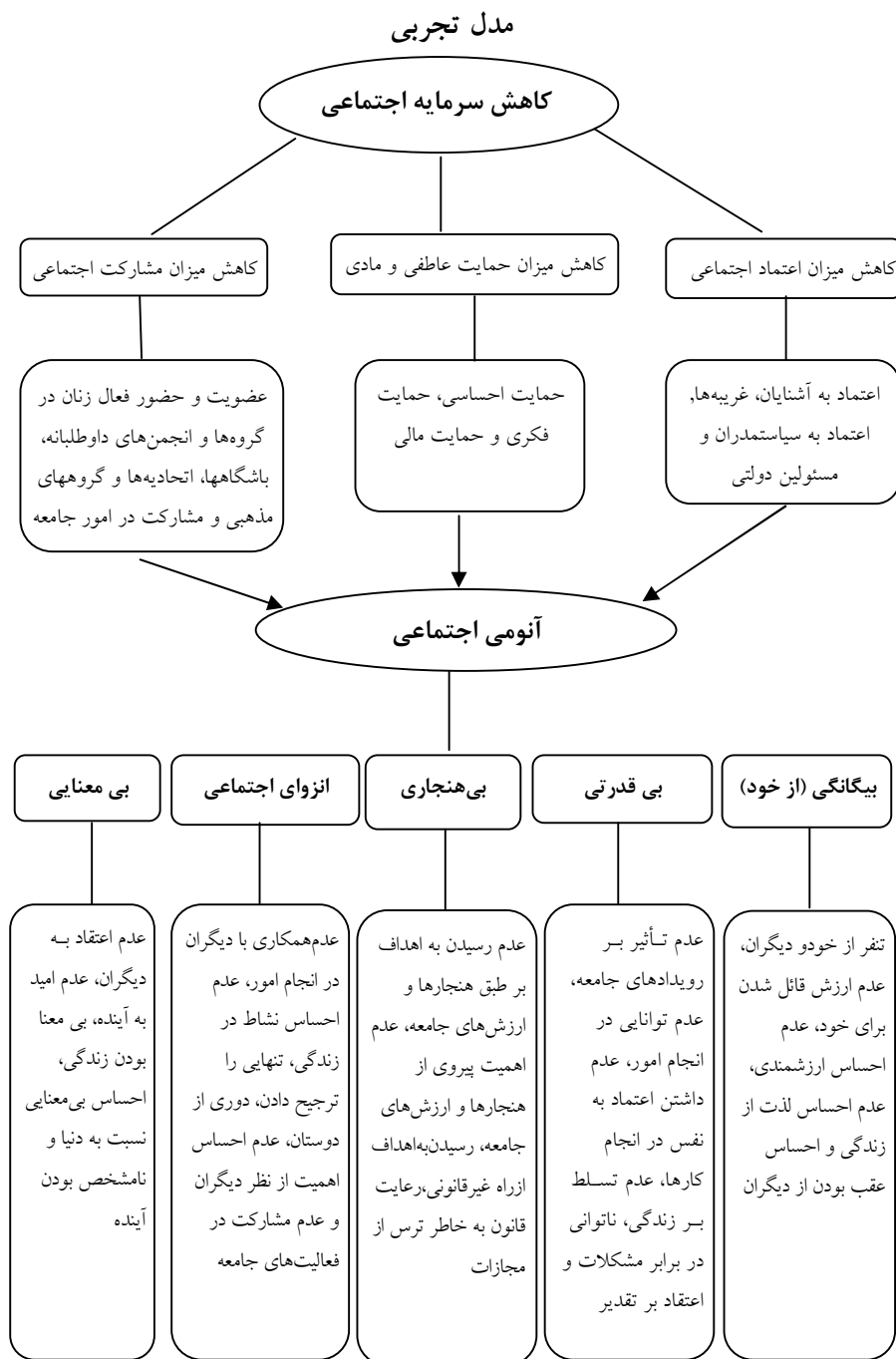
### تعریف عملیاتی مشارکت اجتماعی: این شاخص از طریق ۶ گویه شامل

عضویت و حضور فعال زنان در گروه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌های مذهبی و مشارکت در امور جامعه و در مقیاس طیف لیکرت ارزیابی گردید. تمام متغیرها با استفاده از طیف لیکرت در قالب طیفی ۵ نمره‌ای سنجیده شده است که به ترتیب خیلی کم نمره ۱، کم نمره ۲، تا حدودی نمره ۳، زیاد نمره ۴ و خیلی زیاد نمره ۵ را به خود اختصاص داده‌اند.

### روش شناسی پژوهش

در این پژوهش به لحاظ مفهومی از روش مطالعه اسنادی و از حیث تجربی برای بررسی متغیرها، تحلیل و آزمون فرضیه‌ها از روش پیمایش استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است که ابتدا پرسشنامه پژوهش مورد پیش‌آزمون (Pre-Test) قرار گرفته و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ پایایی (Reliability) پرسش‌های چندگزینه‌ای و نیز پرسش‌هایی که در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته‌اند محاسبه شده است. پس از اصلاحات لازم مجدداً داده‌ها از طریق پرسشنامه نهایی جمع‌آوری شده است و آلفای کرونباخ برای آن‌ها محاسبه گردیده است که در مجموع پایایی محاسبه شده برای هر کدام از پرسش‌ها در سطح مطلوب می‌باشد (جدول شماره ۱).

پردازش و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (مشمول بر آزمون‌های همبستگی، رگرسیون چند متغیری) انجام شده است.



جدول ۱- نتایج تحلیل پایایی سنجه‌های پرسشنامه

ردیف	متغیرهای اصلی تحقیق	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
۱	پنداشت منفی از خود	۵	۰/۸۳
۳	احساس ناتوانی و بیهودگی و بی قدرتی	۵	۰/۹۵
۴	بی هنجاری	۴	۰/۷۱
۵	از خود بیگانگی	۴	۰/۷۳
۶	جامعه‌گریزی	۵	۰/۷۶
۵	احساس محرومیت نسبی	۶	۰/۸۴
۶	عدم تعهد اجتماعی	۶	۰/۸۵
۷	مشارکت اجتماعی	۸	۰/۷۵
۸	اعتماد اجتماعی	۹	۰/۸۹
۹	حمایت عاطفی و مادی	۵	۰/۷۱

### جامعه آماری و روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جمعیت کل زنان ۱۸ تا ۴۰ سال مناطق شهری شهر تهران بنا به گزارش مرکز آمار ایران ۳۸۱۴۸۴۶ می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش ۵۸۰۵۶۷ نفر از زنان ۱۸ تا ۴۰ ساله ساکن شهر تهران می‌باشند که در مناطق ۲-۸-۱۶ شهر تهران زندگی می‌کنند. (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰). نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای احتمالی متناسب باحجم است که با استفاده از فرمول کوکران و به تعداد ۳۷۶ نفر انتخاب گردیده است. برای جلوگیری از تأثیر پرسشنامه‌های گمشده و مخدوش بر نتایج پژوهش، نمونه آماری مورد نظر به تعداد ۴۰۰ نفر افزایش یافت. بر این اساس ابتدا مناطقی از کل مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران به منظور نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. بدین جهت ابتدا سه

تأثیر کاهش سرمایه اجتماعی بر آنومی اجتماعی ... ۵۵

منطقه از مناطق عمده شهر تهران که به لحاظ موقعیت متفاوت اقتصادی و اجتماعی تا حد قابل ملاحظه‌ای از یک دیگر متفاوت‌اند، انتخاب شدند. این مناطق عبارت بودند از منطقه ۲، منطقه ۸ و منطقه ۱۶ و سپس از هر منطقه بزرگ، ناحیه کوچک‌تری نمونه‌گیری و در نهایت کار به انتخاب نمونه‌های تصادفی از خانوارهای پاسخ‌گو منتهی گردید.

مناطق	حجم در جامعه آماری	حجم در نمونه
منطقه ۲	۱۹۲۷۹۲	۱۳۰
منطقه ۸	۲۰۳۱۳۸	۱۵۵
منطقه ۱۶	۱۸۴۶۳۷	۱۱۵
جمع	۵۸۰۵۶۷	۴۰۰

### یافته‌های توصیفی پژوهش

توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه بر حسب وضع تأهل، شغل و سطح تحصیلات از کل نمونه ۴۰۰ نفری، ۳۹/۸ درصد جمعیت مورد مطالعه مختص به مجردین، ۵۴ درصد مختص متأهلین، ۳ درصد مختص مطلقه‌ها و ۲ درصد مختص زنان سرپرست خانواده می‌باشد، بر این اساس مد یا نمای حجم نمونه مربوط به گروه دوم یعنی متأهلین می‌باشد.

توزیع فراوانی جمعیت مورد مطالعه بر حسب شغل پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که، محصلین و دانشجویان ۲۳/۵ درصد، شاغلین بخش آزاد ۱۰/۸ درصد، فرهنگیان ۹/۲ درصد، شاغلین بخش دولتی ۳۵ درصد، خانه‌داران ۱۷/۵ درصد و بیکاران ۴ درصد را به خود اختصاص داده‌اند. بر این اساس مد یا نما مختص به گروه مشاغل دولتی است.

۴۰ نفر برابر با ۱۰/۲۵ درصد زیردیپلم، ۶۰ نفر برابر با ۱۵/۳۸ درصد دیپلم، ۸۱ نفر برابر با ۲۰/۷ درصد فوق دیپلم، ۱۵۴ نفر برابر با ۳۹/۴۸ درصد لیسانس و ۴۷ نفر برابر با ۱۲/۵ درصد در مقطع فوق لیسانس و بالاتر درس خوانده‌اند. بیشترین فراوانی افراد نمونه در مقطع لیسانس تحصیل کرده‌اند.

- نتیجه شاخص‌های توصیفی نشان می‌دهد که میانگین سنی افراد مورد مطالعه (۲۶/۳۰) سال می‌باشد. انحراف استاندارد سن پاسخگویان (۳/۶۰) است. پایین‌ترین سن ۱۸ سال و بالاترین سن ۴۰ سال بوده است.

- بررسی‌ها نشان می‌دهد که میانگین سرمایه اجتماعی در بین افراد مورد پژوهش (۱۱/۳۴) می‌باشد یعنی در حد کم.

- در بررسی آنومی اجتماعی که از تلفیق شاخص‌های تعیین شده آن در این پژوهش بدست آمده میانگین ۲۲/۷۶ و واریانس ۴۱/۳۹ بوده است، که این امر بیانگر وجود آنومی اجتماعی در بین زنان شهر تهران است.

جدول ۲- نتایج آزمون همبستگی بین متغیر آنومی اجتماعی و ابعاد سرمایه اجتماعی

آنومی اجتماعی			متغیر وابسته
			متغیرهای مستقل
سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	
۰/۰۰۱	-۰/۳۱۳	۳۹۰	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۱	-۰/۳۶۱	۳۹۲	حمایت عاطفی و مادی
۰/۰۰۱	-۰/۱۶۲	۳۹۲	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	-۰/۳۱۵	۳۹۸	سرمایه اجتماعی

طبق آزمون، نتایج حاصل از تأثیر متغیر مستقل اعتماد اجتماعی بر آنومی اجتماعی مورد تأیید می‌باشد. مقدار ضریب پیرسون -۰/۳۱۳ می‌باشد و سطح معناداری ۰/۰۰۱

است که دلالت بر همبستگی قوی بین آنها است و به عبارت دیگر افزایش میزان اعتماد اجتماعی باعث کاهش آنومی اجتماعی می‌شود و بین این دو متغیر رابطه معنادار معکوسی وجود دارد.

همچنین طبق آزمون، نتایج حاصل از تأثیر متغیر مستقل حمایت مادی و عاطفی بر آنومی اجتماعی مورد تأیید می‌باشد. با توجه به نتیجه آزمون همبستگی، ضریب همبستگی بدست آمده  $-0/361$  و سطح معناداری  $0/001$  است، از این رو بین سطح حمایت اجتماعی و آنومی اجتماعی رابطه معنادار منفی وجود دارد. به عبارت دیگر افزایش حمایت اجتماعی به کاهش آنومی اجتماعی منجر می‌شود. همچنین با توجه به نتیجه آزمون همبستگی، میزان مشارکت اجتماعی بر آنومی اجتماعی تأثیر دارد. ضریب همبستگی بدست آمده  $-0/162$  و سطح معناداری  $0/001$  است، از این رو بین سطح مشارکت اجتماعی و آنومی اجتماعی رابطه معنادار منفی وجود دارد. به عبارت دیگر افزایش مشارکت اجتماعی، کاهش آنومی اجتماعی را در پی دارد.

در مجموع برای آزمون همبستگی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی نیز از آزمون I پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که بین دو متغیر یاد شده همبستگی معنادار و معکوسی وجود دارد.

### تحلیل رگرسیون چند متغیری جهت پیش بینی آنومی اجتماعی

#### تحلیل رگرسیون گام به گام آنومی اجتماعی زنان

در این تحقیق برای مطالعه سهم و یا تأثیر دو یا چند متغیر مستقل تحقیق بر متغیر وابسته (آنومی اجتماعی) از رگرسیون چندگانه استفاده شده است. روش مورد استفاده در رگرسیون چندگانه روش گام به گام می‌باشد. برای این منظور از بین متغیرهای مستقل چهار متغیر، مشارکت اجتماعی، حمایت عاطفی، حمایت مادی و اعتماد اجتماعی به ترتیب وارد معادله رگرسیونی شدند.

جدول ۳- خلاصه مدل تحلیل رگرسیون چند متغیره

Std. Error of the Estimat	Adjusted R Square (ضریب تعیین تعدیل شده)	R Square ضریب تعیین	R ضریب همبستگی	متغیر	مدل
۱/۰۰۹۵۶	۰/۲۰۹	۰/۲۱۱	۰/۴۶۰	مشارکت اجتماعی	۱
۱/۰۲۶۹۲	۰/۲۶۰	۰/۲۶۷	۰/۵۱۷	حمایت عاطفی	۲
۱/۰۳۹۳۴	۰/۳۰۵	۰/۳۱۷	۰/۵۴۶	حمایت مادی	۳
۱/۰۵۵	۰/۳۲۰	۰/۳۳۶	۰/۵۸۰	اعتماد اجتماعی	۴

متغیر مشارکت اجتماعی ۲۱ درصد نوسانات آنومی اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. در گام دوم متغیر حمایت عاطفی، ضریب تعیین را به ۲۶ درصد افزایش داده است، اما متغیر حمایت مادی در گام سوم ضریب تعیین را به ۳۱ درصد می‌رساند. متغیر اعتماد اجتماعی در گام چهارم ضریب تعیین را به ۳۲ درصد افزایش داده است.

جدول ۴- ضرایب تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام

Sig <sup>۱</sup>	T	Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	مدل
		B	Std. Error	Beta	
۰/۰۰۰	۵/۱۲۵	۳/۲۳۸	۰/۵۹۹		مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۳/۸۶۴	-۰/۰۶۷	۰/۰۱۹	-۰/۱۸۴	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	-۴/۷۳۷	-۰/۳۷۶	۰/۰۷۹	-۰/۲۳۵	حمایت عاطفی
۰/۰۰۳	-۲/۶۴۸	-۰/۲۳۰	۰/۰۶۴	-۰/۱۶۳	حمایت مادی
۰/۰۰۰	-۲/۴۲۰	-۰/۰۱۰	۰/۰۰۶	-۰/۱۳۲	اعتماد اجتماعی



با توجه به نتایج به دست آمده از این تحلیل می‌توان گفت که (Adjusted R Square = ۰/۳۲۰) درصد نوسانات متغیر وابسته (آنومی اجتماعی زنان) به ترتیب توسط متغیرهای مشارکت اجتماعی، حمایت عاطفی، حمایت مادی و اعتماد اجتماعی تبیین می‌شود. بنابراین خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره برآورد شده به قرار زیر خواهد بود:

$$۰/۲۳۵ - ۰/۱۸۴ - (مشارکت اجتماعی) (حمایت عاطفی) = آنومی اجتماعی زنان$$
$$۰/۱۳۲ - ۰/۱۶۳ - (اعتماد اجتماعی) - (حمایت مادی)$$

### نتیجه‌گیری

در حالی که سرمایه اجتماعی به زندگی فرد معنی و مفهوم می‌بخشد و زندگی را ساده‌تر می‌کند و به بهبود زندگی افراد کمک می‌کند، ضعف سرمایه اجتماعی زنان، آنان را از مزایای یادشده محروم می‌کند. با توجه به نظر فوکویاما باید اشاره کرد که در جوامع شهری که در حال گذار می‌باشند، اعضای جامعه حتی در کوچک‌ترین لایه‌های زندگی، چون زندگی خانوادگی و زناشویی نسبت به هم، کردارها و رفتارهای اجتماعی چون صداقت، ادای تعهدات، ارتباطات، اعتماد و ... حضور کم‌رنگ‌تری دارند و این فقدان و کم‌رنگی اخلاقی و اجتماعی منجر به کاهش سرمایه‌های اجتماعی شهروندان نسبت به هم و نسبت به جامعه شده در نتیجه باعث افزایش آنومی و آسیب‌های اجتماعی شده است. طبق نظر پاتنام و هیرشی افرادی که عضو گروه‌هایی با پیوندهای قوی و محکم‌اند و هم چنین دارای حس قوی تعهد و وابستگی نسبت به گروه و نیز ترس از بی‌آبروسازی خانواده و آشنایان می‌باشند، به علت ترس از شناسایی یا سر در آوردن گروه از رفتارشان، کمتر احتمال دارد که منحرف و مرتکب خلاف شوند، بنابراین نگرانی از مواجه شدن با شرمساری و مذمت از سوی خانواده، گروه و جامعه، مانع از آن می‌شود که به سوی انحراف بروند.

همان گونه که کلمن تاکید داشته است سرمایه اجتماعی مانند سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی اگر تجدید نشود مستهلک می‌گردد. روابط اجتماعی اگر حفظ نشوند به تدریج از بین می‌روند. انتظارات و تعهدات با گذشت زمان ضعیف و ناپدید می‌شوند زیرا هنجارها به ارتباط منظم بستگی دارند. با بررسی نتایج حاصل از مطالعات در زمینه برخی مشکلات اجتماعی زنان از جمله انزوای اجتماعی، جامعه‌گریزی، بی‌هنجاری، ازخودبیگانگی، پنداشت منفی از خود و محرومیت نسبی، نشان داده می‌شود که نابودی و استهلاک سرمایه اجتماعی در ایران زمینه‌ساز رواج بسیاری از مسائل اجتماعی شده که علاوه بر کل جمعیت، آثار و پیامدهای مضاعفی را نیز متوجه زنان کرده است. همسو با نظریه کنترل اجتماعی غیررسمی که تاکید بر کیفیت یا قوت پیوندهای اجتماعی با نهادهای غیررسمی دارد، باید خاطر نشان کرد که پیوندهای اجتماعی تا زمانی مهم‌اند که نظام‌های به هم وابسته‌ای از تعهدات متقابل را به وجود آورند که مردم را از فعالیت‌های آسیب‌زا باز دارند، یعنی این پیوندها کنترل‌کننده و مهارکننده باشند تا بتواند باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی باشد زیرا بر طبق تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی پایه و اساس کنترل اجتماعی است، سرمایه اجتماعی نیروی جمعی بیرونی را برای تحمیل نظم به وجود می‌آورد و گروه‌ها را نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیررسمی‌شان توانا می‌سازد. بنابراین، اجتماعات سازمان‌نیافته که تا حدودی گرفتار جرم و شرایط منفی دیگر می‌باشند، به دلیل این است که آن‌ها قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند.

### پیشنهاد‌های کاربردی

در بررسی آنومی اجتماعی زنان شهر تهران که از تلفیق شاخص‌های تعیین شده آن در این پژوهش بدست آمده، میانگین ۲۲/۷۶ و واریانس ۴۱/۳۹ بوده است. که این امر بیانگر وجود آنومی اجتماعی در بین زنان شهر تهران است. همان‌گونه که مشاهده

گردید متغیرهای سرمایه اجتماعی رابطه معکوس و معناداری با آنومی اجتماعی زنان دارند. به عبارتی هرچه زنان سرمایه اجتماعی بالاتری داشته باشند میزان آنومی کمتری خواهند داشت. هر چقدر میزان حمایت مادی و عاطفی و حمایت دریافت شده زنان از گروه‌های جامعه بیشتر باشد میزان آنومی اجتماعی آنان کاهش خواهد یافت. بطور کلی در اغلب موارد کسانی که روابط اجتماعی محدودتری دارند از سطح حمایت اجتماعی کمتری نیز برخوردار هستند بنابراین از آنجایی که در این پژوهش رابطه معناداری بین حمایت عاطفی و مادی و آنومی اجتماعی وجود دارد پیشنهاد می‌شود که در برنامه ریزی‌های کلان جامعه به زنان توجه بیشتری شود، همچنین ایجاد تعاملات زیاد اجتماعی در روابط فردی و بین فردی باعث می‌شود که فرد حمایت‌های مختلفی را دریافت نماید. دستیابی به این هدف مستلزم کسب مهارت‌های مختلف زندگی است که می‌توان با ایجاد کارگروه‌های تخصصی، این مهارت‌ها را در بین افراد جامعه تقویت کرد. با توجه به نظریه فشار باید تاکید کرد که کاهش سرمایه اجتماعی هم در جامعه و هم در درون خانواده باعث می‌شود که افراد در هنگام روبرو شدن با منابع فشار نتوانند بر آن‌ها غلبه نمایند، در نتیجه احساسات منفی در افراد ایجاد می‌شود که منجر به آسیب‌های اجتماعی خواهد شد. اگر زنان حمایت عاطفی و اقتصادی لازم را در خانواده و جامعه دریافت نکنند با روبرو شدن با الگوهای انحرافی پیرامون خود به الگو برداری از آن‌ها خواهند پرداخت. همچنین با توجه به نظر پاتنام هرچقدر میزان اعتماد -که شامل عناصری مانند صداقت و رعایت ارزش‌ها است- به یکدیگر بیشتر باشد میزان آنومی اجتماعی آنان کمتر خواهد شد. از آنجا که یکی از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی اعتماد می‌باشد و با توجه به یافته‌های این پژوهش که یکی از عوامل کاهش آنومی اجتماعی، اعتماد می‌باشد ضروری است که موانع موجود، که میزان اعتماد اجتماعی را تقلیل می‌دهند شناسایی شوند تا زمینه ظهور اعتماد اجتماعی فراهم آید. افرادی که به دلیل عدم احساس امنیت و نابرابری در دسترسی به منابع سرمایه اجتماعی از سطح اعتماد پایینی برخوردارند از برخی جنبه‌های زندگی اجتماعی کناره‌گیری

می‌کنند و دامنه ارتباطات و همکاری‌های کمتری دارند. بنابراین برای جلب اعتماد افراد، خاصه زنان شهر تهران باید نابرابری‌های موجود در دسترسی به منابع قدرت کاهش یابد. ارائه اطلاعات شفاف از طریق نهادهای مسئول، ترجیح ضوابط بر روابط و توجه مسئولین به خواسته‌ها و نیازهای زنان، می‌تواند باعث افزایش میزان اعتماد زنان گردد. در پژوهش حاضر با توجه به وجود رابطه معنادار و معکوس مشارکت اجتماعی با آنومی اجتماعی می‌توان نتیجه گرفت که هرچقدر میزان مشارکت اجتماعی زنان در جامعه افزایش یابد در جهت کاهش آنومی اجتماعی عمل کرده و به کاهش آنومی اجتماعی در میان زنان منجر می‌شود. همچنین هرچقدر احساس عشق و دوستی نسبت به افراد جامعه، احساس پیوند و تعلق نسبت به افراد جامعه، احساس تعهد نسبت به جامعه، احساس دلبستگی نسبت به خانواده، احساس تعهد نسبت به خانواده، احساس پیوند و یکی بودن با خانواده در زنان بیشتر باشد، میزان آنومی آنان کاهش خواهد یافت

## منابع

- بواندیا، هرناندو گومز. (۱۳۸۰)، *جرائم شهری: گرایش‌ها و روش‌های مقابله با آن‌ها*، ترجمه: فاطمه گیوه چیان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- باستانی، سوسن و دیگران. (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی شبکه و روابط متقابل بین شخصی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، سال ۱۶، شماره ۶۱.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، انتشارات وزارت کشور.
- چلبی، مسعود؛ مبارکی، محمد. (۱۳۸۴)، تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۲.
- رستگار خالد، امیر. (۱۳۸۴)، گسترش نقش زنان در جهت حمایت‌های شغلی و اجتماعی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۶، شماره ۴.

تأثیر کاهش سرمایه اجتماعی بر آنومی اجتماعی ... ۶۳

- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸)، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی* (پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران). تهران: انتشارات سروش.
- زتومکا، پیتر. (۱۳۸۴)، *اعتماد یک نظریه جامعه شناختی*، ترجمه: فاطمه گلابی، نشر ستوده.
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۳)، *آسیب شناسی اجتماعی* (جامعه شناسی انحرافات)، تهران: آوای نور.
- *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*. (۱۳۹۰)، مرکز آمار ایران.
- سعادت، رحمان. (۱۳۸۵)، «تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها». *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۳.
- شارع پور، محمود. (۱۳۸۸)، بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی به نیروهای انتظامی (مطالعه موردی استان مازندران) جامعه شناسی کاربردی، *مجله علمی پژوهشی دانشگاه اصفهان*، شماره ۳۶.
- شیانی، ملیحه، محمدی، محمدعلی. (۱۳۸۶)، «تحلیل جامعه شناختی احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۵.
- علیوردی نیا، اکبر؛ شارع پور، محمود؛ ورمزیار، مهدی. (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری»، *فصلنامه پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۲.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۷۹)، *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه: غلامعباس توسلی، نشر جامعه ایران.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۵)، «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی»، *نامه پژوهش*، شماره ۱.
- Cicognani, Elvira & Pirini, Claudia & Keyes, Corey & Joshanloo, Mohsen & Rostami, Reza & Nosratabadi, Masoud. (2007). *Social Participation, Sense of Community and Social Well Being: A Study*

on American, Italian and Iranian University Students, Springer Science+Business Media B.V. pp97-112.

- Fild, John. (2003). *social capital*. published by Routledge, London, UK.
- Herzong, A. R: ofstedal, M. B & Wheeler, L.M. (2002). *Social Engagement and its Relationship to health*, clinical Geriatric Medicine.
- Paxton, Pamela. (2002). *social capital and democracy: an Interdependent Relationship*". American sociological review, vol.67.
- Puffer, P. (2002). *Durkheim did not Say Normlessness: The concept of Anomic Suicide for Introductory Sociology Courses*, southern Rural sociology, 24.
- Putnam, Robert. (2002). "*Social Capital Measurement And Consequences*", Isuma, Volume 2No 1.Spring/Printemps. ISSN1492-0611.
- Salmi, Venla; Kivivuori, Janne. (2006). "*The Association between social capital and Juvenile crime*", European society of criminology, vol. 3 (2).
- Siegel, Larry J. (2003). "*criminology Theories, Patterns and Typologies*". Wadsworth, A division of Thomson Learning Inc. Web: <http://www.thomsonrights.com>.
- Smart, C. (1977). *Women Criminal and Criminology Rutledge and Kagan Paul*.
- Thorns, D. C. (2002). *The Transformation of Cities: Urban Theory and Urban Life*, New York, Palgrave.
- Torgler, B. (2007). *Trust in International Organization*, Australia, university of Technology.